

انتظار تحول در احیای حقوق عامه و پیگیری‌های حقوقی بین‌المللی همراه با تحول در قوه قضائیه

محمد میثم نداف پور - پژوهشگر حقوق بشر

۸ دی ماه ۱۳۹۸ سخنگوی قوه قضائیه خبر از انتصاب آقای دکتر علی باقر کنی برای دو جایگاه می‌دهد: «دبیر ستاد حقوق بشر» و «معاونت امور بین‌الملل و حقوق بشر قوه قضائیه».

تا پیش از زمان ریاست حجت الاسلام رئیسی بر قوه قضائیه، فقط یک اداره کل بین‌الملل ذیل حوزه ریاست قوه وجود داشت که با آمدن حجت‌الاسلام رئیسی، امور بین‌الملل تا مرتبه معاونت ارتقا یافت. بنابراین باید این تغییر را یک تحول قابل توجه در داخل قوه قضائیه دانست. چرا؟

اولاً تجربه جمهوری اسلامی نشان داده است که پرونده‌های حقوقی متعدد بین‌المللی در طول تاریخ چهل ساله وجود داشته است که برخی به مرحله شروع به رسیدگی و اقامه دعوا هم نرسیده است و در برخی دیگر نواقص جدی در پیگیری آن به وجود آمده است. اضافه شدن معاونت بین‌الملل قوه قضائیه در کنار وزارت خارجه در پشتیبانی و حتی اقدام می‌تواند روند استیفای حقوق ملت را ممکن و تسریع ببخشد.

ثانیاً با بررسی‌های انجام‌شده در بیانات مقام معظم رهبری در دیدارهای سال‌های متعدد با کارکنان وزارت خارجه و قوه قضائیه، به نظر می‌رسد مأموریت پیگیری پرونده‌های حقوقی در زمینه استیفای حقوق ملت و مستضعفان از سوی رهبر معظم انقلاب بر عهده قوه قضائیه است و آنچه بیشتر مورد تأکید رهبری در دیدار با کارکنان وزارت خارجه بوده، توصیه‌هایی در خصوص روابط دیپلماتیک رسمی و سیاسی بوده است.

مجموع این دلایل نشان می‌دهد که ارتقای اداره کل بین‌الملل به معاونت با مأموریت‌های محوله می‌تواند یک اقدام مثبت و رو به جلوی جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل باشد.

...

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران یک نهاد فراقوه‌ای است که تشکیل آن در سال ۱۳۸۴ به واسطه پیشنهاد رئیس وقت قوه قضائیه و مصوبه شماره (۴۳۵) شورای عالی امنیت ملی بوده که پشتوانه تأیید مقام رهبری را به استناد اصل (۱۷۶) قانون اساسی دارد. بنابراین باید ستاد حقوق بشر را که دستگاه‌های متعددی مانند دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور، وزرای کشور، دادگستری، امور خارجه، اطلاعات، فرهنگ و ارشاد اسلامی،

رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس سازمان زندان‌ها، نمایندگان دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، فرمانده نیروی انتظامی و دو نفر از حقوقدانان یا قضات با سابقه ذیل آن عضو هستند، یک «شورای فرعی» ذیل شورای عالی امنیت ملی و موضوع اصل (۱۷۶) دانست. پیرو مصوبه شورای عالی امنیت ملی، ریاست آن بر عهده رئیس قوه قضائیه است و حکم دبیری این ستاد را رئیس قوه قضائیه صادر می‌کند. این برخلاف تصور عمومی است که گمان می‌شود نام ستاد، «ستاد حقوق بشر قوه قضائیه» است! بلکه باید آن را «ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی» دانست. علی باقری در حال حاضر، دبیر این ستاد است.

دبیری ستاد حقوق بشر مسبوق به سابقه است و پیش از این حدود (۱۵) سال، جواد لاریجانی عهده‌دار آن بوده است. یکی از فعالیت‌های مهم و کلیدی ستاد در طول سال‌های مختلف، بازیگری این ستاد به عنوان مدافع حقوق بشر جمهوری اسلامی در شورای حقوق بشر سازمان ملل بوده است که توانسته بود با ارگان‌های داخلی ارتباط سازمانی بگیرد و پاسخ‌های مجامع بین‌المللی به وضعیت حقوق بشر در ایران را پاسخ بدهد. البته در سال‌های متعدد و متناسب با میزان فعالیت معاونان وقت بین‌الملل و حقوقی - قضائی این ستاد، اقدامات ستاد توسعه و تضييق داشته و در امور دیگری هم نقش‌آفرینی کرده است، اما عموماً ستاد با تصویر مدافع حقوق بشر جمهوری اسلامی شناخته می‌شده است.

اما دوره جدید ستاد حقوق بشر با دبیری دکتر باقری می‌تواند پایه شکل‌گیری یک تحول در مدیریت و هماهنگی مسئله حقوق بشر جمهوری اسلامی در داخل و خارج شود. چنانکه ظرفیت بسیار بیشتری در عنوان «ستاد حقوق بشر» قابل احصا است.

...

اما سوال اصلی اینجاست که در هم تنیدگی جایگاه حقوقی علی باقری در «معاونت بین‌الملل و حقوق بشر قوه قضائیه» و «دبیری ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی» چگونه قابل جمع شدن است. چرا که جایگاه یک انتصاب، بازوی قوه قضائیه و یکی از قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی است و جایگاه دیگر به عنوان یک ستاد فراقوه‌ای کلان‌نگر و هماهنگ‌کننده در زمینه‌های حقوق بشری است.

مجموع این دو جایگاه صفی و ستادی و همین‌طور نقش‌آفرینی در دو عرصه داخلی و بین‌المللی، مأموریت‌های ستاد را به یک ماتریس دو در دو تبدیل می‌کند که برای هر بخش آن می‌توان مأموریت‌های متعدد تعریف کرد.

جایگاه	عرصه داخلی	عرصه بین‌المللی	
صف	عرصه دوم	عرصه اول	معاونت بین‌الملل و حقوق بشر قوه قضائیه
ستاد	عرصه چهارم	عرصه سوم	ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی

عرصه اول (بین‌الملل قوه)

عرصه اول که علی باقری و مجموعه‌اش می‌خواهد به عنوان بازوی قوه قضائیه در عرصه بین‌الملل اقدام صافی کند، غالباً به پیگیری پرونده‌های حقوقی در عرصه بین‌الملل مربوط می‌شود. امری که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر در دیدار با قوه قضائیه بوده است. مقام معظم رهبری در سال‌های متعدد در دیدار با کارکنان قوه قضائیه، پرونده‌های متعدد حقوقی مربوط به احیای حقوق ملت و مستضعفان در عرصه بین‌الملل را به عنوان تکلیف قوه قضائیه بیان کردند که طبیعتاً در ساختار فعلی قوه قضائیه اول از همه، متوجه معاونت بین‌الملل و حقوق بشر قوه قضائیه است. جدول زیر مهم‌ترین مطالبات رهبری از قوه قضائیه را در سال‌های متعدد در عرصه بین‌الملل بیان می‌کند:

موضوع	منبع
تحریم	دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۶/۴/۱۲ ^۱
پیگیری حقوق پایمال‌شده ملت ایران به علت تحریم‌ها	دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۵/۴/۹ ^۲

^۱. «قوه قضائیه باید در موضوعاتی همچون تحریم‌ها، مصادره‌های آمریکایی‌ها، تروریسم و یا حمایت از شخصیت‌های مظلوم دنیا همچون شیخ زکراکی و یا حمایت از مسلمانان میانمار و کشمیر، از جایگاه حقوقی وارد شود و نظر حمایتی و یا مخالفت خود را قاطعانه اعلام کند تا در دنیا منعکس شود.» (دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۶/۴/۱۲؛ قابل مشاهده در نشانی زیر: farsi.khamenei.ir/news-content?id=37040)

^۲. «حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حکم دادگاه‌های آمریکا برای دست‌اندازی به دارایی‌های ملت ایران به بهانه‌های واهی و اتهامات بی‌اساس، خاطرنشان کردند: تضییع حقوق ملت ایران به‌واسطه‌ی تحریم‌ها، واقعیتی است که باید در سطح جهانی پیگیری قضائی شود.» پیگیری حقوق هزاران قربانی تروریسم در ایران»، «اقامه‌ی دعوا علیه دولت‌هایی که قاتلان این قربانیان را حمایت آشکار و پنهان می‌کنند» و «دفاع حقوقی از شخصیت‌های مظلوم مسلمان در سراسر جهان» از دیگر مواردی بود که رهبر انقلاب به مسئولان قضائی توصیه کردند. ... ایشان اعلام رسمی «چشم بستن سازمان ملل بر جنایت جاری و کودک‌کشی در یمن را در ازای گرفتن پول از برخی کشورها»، باعث شرمندگی بشریت خواندند و افزودند: این رسوایی، ضد حقوق واقعی بشر است و باید در سطح جهان، روی آن کار حقوقی و قضائی کنیم.» (دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۵/۴/۹، قابل مشاهده در نشانی زیر:

دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۶/۴/۱۲	دفاع از پرونده‌های مصادره اموال ایران در دادگاه‌های آمریکایی
دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۶/۴/۱۲ دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۵/۴/۹ دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۵/۴/۹	تروریسم پیگیری حقوق هزاران قربانی تروریسم در ایران اقامه‌ی دعوا علیه دولت‌هایی که قاتلان این قربانیان را حمایت آشکار و پنهان می‌کنند
دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۵/۴/۹ دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۶/۴/۱۲	دفاع حقوقی از شخصیت‌های مظلوم مسلمان در سراسر جهان حمایت از شخصیت‌های مظلوم دنیا همچون شیخ زکراکی
دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۶/۴/۱۲	حمایت از مسلمانان میانمار
دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۶/۴/۱۲	حمایت از مسلمانان کشمیر
دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب - ۱۳۹۵/۴/۹	چشم بستن سازمان ملل بر جنایت جاری و کودک‌کشی در یمن را در ازای گرفتن پول از برخی کشورها و اعلام رسمی آن

بدون شک پرونده‌های مذکور یک مشت نمونه خروار از تمام پرونده‌های حقوقی قابل پیگیری در دادگاه‌های بین‌المللی و دادگاه‌های داخلی کشورهای دیگر است که در بسیاری موارد به جای آنکه مدعی باشیم، قربانی می‌شویم. این پرونده‌ها شامل دو دسته است:

۱- پیگیری حقوق مردم ایران

۲- پیگیری حقوق مظلومان و مستضعفان عالم

از جمله موارد مهم در این دوره، پیگیری پرونده شهید سلیمانی، تحریم‌های ظالمانه، داعش، سوریه، یمن و مانند آن است که معاونت بین‌الملل قوه باید به عنوان بازیگر اصلی در جنگ حقوقی در کنار جنگ‌های نظامی، رسانه‌ای، دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی ایفای نقش بکند.

ورود به عرصه کیفری بین‌المللی: یکی از دیگر مواردی که می‌تواند در دوره جدید تحول ایجاد کند، وارد شدن هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران به عرصه کیفری بین‌المللی و پیگیری عدالت در کنار عرصه‌های حقوقی صرف است. انشاءالله امکان بحث تفصیلی‌تر در این خصوص در مجالی دیگر فراهم آید.

عرصه دوم (داخلی قوه)

در عرصه دوم که علی باقری و مجموعه‌اش می‌خواهد به عنوان یک بازوی قوه در عرصه داخلی اقدام صنفی کند، باید به بخش «حقوق بشر» عنوان سمت ایشان (معاونت بین‌الملل و حقوق بشر قوه قضائیه) تکیه کرد. معاون بین‌الملل و حقوق بشر می‌تواند به عنوان یک بازیگر فعال در زمینه حقوق ملت در داخل ناظر به دو بخش عمل کند:

۱- پیگیری حقوق ملت در داخل قوه: بسیاری از شاخه‌های مباحث حقوق بشری مانند پیگیری حقوق متهمان در دادرسی عادلانه، حقوق زندانیان و خانواده‌های آنان، حقوق قربانیان جرم، عدالت در شرایط اضطراری، کرامت انسانی در مراجع قضایی و همچنین حقوق مردم در رابطه با ضابطان قضایی مستقیماً به قوه قضائیه بازمی‌گردد. «معاونت ... حقوق بشر قوه قضائیه» می‌تواند پیگیر این دسته حقوق در داخل قوه قضائیه باشد و مانند دیگر نهادهای مشابه ذیل قوه مجریه یا وزارتخانه‌ها که در مجموعه خود پیگیر مقابله با نقض حقوق مردم هستند، نقش جدی و فعال پیدا بکند. چرا که قوه قضائیه به دلیل حساسیت جایگاهش همواره در معرض نقض حقوق ملت بوده است و نظارت این نهاد می‌تواند این خلأها را پوشش دهد. این موضوع زمانی اهمیت پیدا می‌کند که رعایت کرامت انسان‌ها و تضييع نشدن حقوق مردم در دستگاه‌های قضایی در اولویت اول دستگاه قضا و حجت‌الاسلام رئیسی در دوره جدید است. برای تضمین این حقوق، نیازی به مجوز قانونی وجود ندارد و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های قوه قضائیه می‌تواند تضمینات اجرایی لازم را برای معاونت ایجاد کند.

۲- پیگیری حقوق ملت در خارج قوه: به دلیل ذات و ماهیت قوه قضائیه که به عنوان یک نهاد مستقل، بی‌طرف، احیاگر حقوق عامه (بند ۲) مطابق اصل ۱۵۶) و ناظر بر اجرای قوانین و دستگاه‌های اجرایی است، می‌توان نقش دیده‌بان و مطالبه‌گر در تضمین حقوق مردم و صدای عدالتخواهی مردم در سطح

حاکمیت قلمداد کرد یا حداقل می‌تواند پلی برای اتصال مطالبات مردمی و صدای مردم به حاکمیت باشد.

البته برای این امر لازم است که سازوکارها و تضمینات قانونی آن با همکاری مجلس شورای اسلامی طراحی شود. البته این مأموریت شباهت‌هایی با مأموریت ستاد حقوق بشر در عرصه داخلی دارد که در جای خود به آن پرداخته می‌شود.

اگر به این مأموریت بتوان با یک دید موسعی نگاه کرد، می‌توان شاهد یک تحول شگرف در حوزه مطالبات اجتماعی و عدالتخواهی در سطح عمومی داخل قوه قضائیه ایجاد کرد.

عرصه سوم (بین‌الملل ستاد)

عرصه سوم که علی باقری و مجموعه‌اش می‌خواهد به عنوان حاکمیت جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی اقدام ستادی کند، در دو سطح قابل تصور است:

۱- هماهنگی در داخل حاکمیت و میان دستگاه‌های فعال در حوزه بین‌الملل

در این حوزه، ورود نگاه انقلابی علی باقری و همکارانش در سطح حاکمیت می‌تواند منشأ اثر فراوانی در رویکردهای جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل باشد تا با رویکردها و اقداماتی فعالانه‌تر بتواند ظرفیت‌های امنیتی را در خدمت پیگیری عدالت درآورد و مصلحت‌های واقعی را جایگزین مصلحت‌های غیرواقعی کند. وجود دستگاه‌های متعدد فعال در عرصه بین‌الملل به عنوان اعضای شورای ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی مثل وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد به عنوان مقام بالادستی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ظرفیت خوبی را برای این ستاد فراهم کرده است که رویکردها را در سطح حاکمیت اصلاح و ارتقا ببخشد و منشأ اصلاح بسیاری رویکردهای منفعلانه شود. موارد زیر را می‌توان به عنوان مأموریت‌های خاص ستاد به طور خاص بیان کرد:

- دفاع از وضعیت حقوق بشر در ایران: چنانکه گفته شد، ستاد حقوق بشر از دیرباز مباحثاً متولی دفاع از وضعیت حقوق بشر ایران در شورای حقوق بشر با توافق وزارت خارجه بود. اما آنچه در این عرصه مورد نقد است، انحصار نگاه ستاد به اقدامات انفعالی و دفاع صرف از حقوق بشر ایران است که با پیشنهادهای ارائه‌شده

بعدی تکمیل می‌شود. نقد دیگر به دوره قبل ستاد، نوع پاسخگویی و نحوه تعامل ستاد با گزارشگران ویژه و مراجع بین‌المللی بود که نیاز است در دوره جدید، مورد آسیب‌شناسی جدی قرار گیرد و مزایا و معایب رویکرد سال‌های قبل مورد ارزیابی قرار گیرد.

- سیاست تهاجمی در مقابل نقض حقوق بشر در دیگر کشورها خصوصاً کشورهای متخاصم: در شورای حقوق بشر، ظرفیتی تحت عنوان سازوکار (UPR) وجود دارد که همه کشورها به طور مساوی مورد ارزیابی حقوق بشری قرار می‌گیرند. این ظرفیت توسط کشورهای متخاصم علیه ایران به خوبی استفاده می‌شود و هر چهار سال یک بار که نوبت به بررسی دوره‌ای وضعیت حقوق بشر ایران می‌رسد، توصیه‌های متعددی به ایران می‌شود و ایران را تحت فشار قرار می‌دهند. اما ایران برای کشورهای متخاصم خود، برنامه‌ریزی دقیقی ندارد. پیگیری نقض حقوق بشر در کشورهایی مثل آمریکا، کشورهای اروپایی و حتی کشورهای مرتجع عربی بستری است که که میزان استفاده جمهوری اسلامی از آنها بسیار ناچیز است. این موضوع صرفاً به ظرفیت سازوکارهای شورای حقوق بشر بازمی‌گردد و انتشار گزارشات حقوق بشری کشورهایی مثل آمریکا در قوانین ما وجود دارد، اما متروک است و به آن عمل نمی‌شود

- ابتکار و مشارکت در هنجارسازی بین‌المللی: نکته مهم دیگری که ستاد می‌تواند در دوره جدید با یک شتاب بیشتری پیگیری نماید، مشارکت با دیگر کشورها در هنجارسازی‌های بین‌المللی و حتی ابتکار محتوایی و هنجاری در عرصه حقوق بین‌الملل و حقوق بشر است. نکته مهمی که سال‌ها جمهوری اسلامی نسبت به آن غفلت کرده است و خود را محق و مکلف به مشارکت فعال و ابتکار در تصویب قطعنامه‌های موضوعی حقوق بشری و اسناد بین‌المللی نمی‌داند. در حالی که یکی از مهم‌ترین ابزارهای وسعت دامنه فعالیت‌های جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل ورود به مباحث نظری و مشارکت در هنجارسازی‌های بین‌المللی است.

- ارائه دستاوردهای حقوق بشر ایران: واقعیتی که دنیا از آن مطلع نیست، آن است که در ایران در بسیاری موارد مثل حقوق اقلیت‌های رسمی، تنوع قومی و مذهبی، مسائل مربوط به پزشکی، کمک‌های بشردوستانه و موارد متعددی عملکرد مثبت و قابل قبولی دارد و متأسفانه در دنیا طوری القا شده است که گویی بزرگترین دولت نقض‌کننده حقوق بشر در دنیا ایران است و هر ساله با فشارهای سیاسی قطعنامه حقوق بشری صادر و مأموریت گزارشگر ویژه کشوری ایران تمدید می‌شود.

طبیعتاً این وظیفه ستاد است که بتواند با ظرفیت ایجادشده با همه نهادهای اجرایی در کشور، دستاوردهای حقوق بشری ایران را فرآوری و منتشر کند و از طریق مجامع بین‌المللی، گفتگوهای حقوق بشری و طرق رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی آنها را به دنیا عرضه کند تا برندسازی صحیح و واقعی از ایران در دنیا انجام شود.

- **احیای حقوق بشر اسلامی در منطقه:** موضوع دیگری که می‌توان در دوره جدید به ستاد واگذار شود تا با شتاب بیشتری مستقیماً پیگیری نماید، بحث مدیریت پیگیری «حقوق بشر اسلامی» در عرصه بین‌المللی و مشخصاً ظرفیت‌های دیپلماسی رسمی و عمومی با کشورهای اسلامی و سازمان همکاری‌های اسلامی است. این تکلیف را می‌توان از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولین قوه قضائیه استنتاج کرد که خطاب به قوه قضائیه فرمودند که حقوق بشر اسلامی را در دنیا تبیین کنید. چنانکه صاحبان فن مستحضر هستند، ظرفیت اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره سال‌ها است که مسکوت مانده و احیای آن با یک برنامه‌ریزی هدفمند می‌تواند فاصله‌های دولت‌ها و ملت‌ها و نخبگان اسلامی را مجدداً کم کند.

۲- استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود از جمله ظرفیت‌های علمی، فرهنگی، رسانه‌ای و فعالان بین‌المللی

که شاید بتوان آن را در یک معنای عام «دیپلماسی عمومی» دانست.

بدون شک، هماهنگی و ارتباط وثیق ستاد به عنوان حاکمیت با فعالان حوزه رسانه، فرهنگ، سمن‌ها، شخصیت‌های هنری، فرهنگی و علمی به عنوان عناصر دیپلماسی عمومی می‌تواند یک نقش بی‌بدیل را برای ستاد حقوق بشر رقم بزند. شاید در عمل بسیاری نهادهای دیگر پیگیر این موضوعات باشند؛ اما ماهیت و ذات ستاد به دلیل ارتباطش با حقوق بشر، جنس روابط حاکمیت با ظرفیت‌های مردمی را با یک نگاه فرهنگی‌تر متصل می‌کند و می‌تواند دستاوردهای دیپلماسی عمومی را ارتقای مضاعفی دهد. بنابراین ستاد حقوق بشر به عنوان یک نهاد فراقوه‌ای این ظرفیت را دارد که به عنوان نهاد متمرکز و متولی دیپلماسی عمومی در کشور باشد.

حضور کم‌رنگ سمن‌های بین‌المللی در مجامع حقوق بشری، عدم توانایی در به خدمت گرفتن ظرفیت‌های فرهنگی، هنری و سینمایی در عرصه‌های بین‌المللی در برندینگ جمهوری اسلامی و معرفی اندیشه‌های انقلابی ایرانی در دنیا از خلأهای سال‌های مختلف است که ستاد حقوق بشر می‌تواند با یک مدیریت منسجم آنها را در خدمت انقلاب اسلامی بیاورد. این مسأله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم دنیای حقوقی امروز، دیگر

بازیگری دولت‌ها نیست و سمن‌های بین‌المللی و نهادهای مردمی نقشی برابر و حتی بیشتر از دولت‌ها بازی می‌کنند و این موضوع در نقش سمن‌ها در شورای حقوق بشر سازمان ملل هویدا است.

عرصه چهارم (داخلی ستاد)

عرصه چهارم که علی باقری و مجموعه‌اش می‌خواهد به عنوان حاکمیت جمهوری اسلامی در عرصه داخلی اقدام ستادی کند، در دو بخش قابل تصور است:

۱- هماهنگی و اثرگذاری در داخل حاکمیت

یکی از مأموریت‌های مهم و اساسی ستاد حقوق بشر که در دوره قبلی تا حدود زیادی از آن غفلت شده بود و غیر از ستاد، نهاد دیگری نمی‌تواند متولی آن باشد، مدیریت حقوق بشر و احیای حقوق عامه در داخل به صورت فراقوه‌ای و کلان است. هر چه توجه به این مأموریت بیشتر باشد، علاوه بر اینکه فشارها و تهدیدات خارجی کاهش پیدا می‌کند، مردم هم نیازهای واقعی خود را می‌شناساند و هم برای احقاق کامل حقوق مردم پیگیری می‌شود.

- ارتقای اولویت موضوع حقوق بشر در سطح حاکمیت و تبدیل آن به عنوان یک مسأله اولویت‌دار:

از دو جنبه قابل اثبات است که مسئله حقوق بشر باید به اولویت اول کشور تبدیل شود. اولاً اینکه بسیاری از گله‌مندی‌های مردم از دولت که مورد تصدیق رهبر معظم انقلاب هم قرار گرفت، عدم توجه جدی به مشکلات واقعی مردم و سیاسی‌کاری دولتمردان است. به نحوی که واقعاً «مردم» و رفع نیازهای آنان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این مسئله جناح‌پذیر هم نیست و گویا همه دولت‌ها و جناح‌های سیاسی واقعی ننهادند. لذا اولویت‌های غیرمرتبط با مردم و پیگیری عدالت باید به مسئله اول کشور تبدیل شود. ثانیاً با یک استدلال دیگر و مورد استقبال رویکردهای امنیتی، در آینده‌ای نه چندان دور، تهدیدات هسته‌ای و دخالت در منطقه و موشک‌جای خود را به تهدیدات و فشارهای حقوق بشر می‌دهند و حاکمیت باید یک آمادگی کامل برای آن روز داشته باشد. بدون شک، این ارتقای اولویت بر عهده ستاد حقوق بشر است و در صورت حل مشکلات داخلی، خود به خود تهدیدات بین‌المللی کاسته می‌شود. لذا این وظیفه ستاد است که رویکرد احیای حقوق عامه را در اولویت رویکردها، برنامه‌ها و اقدامات همه دولتمردان در همه سطوح حاکمیت قرار دهد.

- پیگیری احیای حقوق عامه در کل کشور: توضیح این مأموریت در عرصه دوم مربوط به احیای حقوق عامه مختصراً بیان شد. این وظیفه قابل انتساب به این مأموریت ستاد حقوق بشر هم است. رویه‌ای که پیش از این به صورت موردی در ستاد حقوق بشر انجام می‌شد و مسئولان وقت در مورد برخی پرونده‌های موردی که جنبه حقوق بشری پیدا می‌کرد، به صورت غیرعمومی و از طریق پیگیری‌های اداری انجام می‌شد. اما این رویه می‌تواند در دوره جدید نظام‌مند و از طریق یک سازوکار سامانه‌ای ثبت شکایت و امکان مشارکت بیشتر مردم و البته ایجاد سازوکار قانونی آن در مجلس، تحول عظیمی در احیای حقوق عامه ایجاد کرد و بسیاری مشکلات مانند خلأهای قانونی، کندی احقاق حقوق مردم و همچنین تکرر پرونده‌های قضایی را حل کرد.

- پیگیری حقوق اتباع خارجی داخل ایران: یکی از مشکلات امروز جامعه ایران، وضعیت نابه‌سامان، تبعیض‌آمیز و سخت اتباع خارجی ساکن در ایران است که جمعیت آنها در سال‌های اخیر خصوصاً در مراکز علمی و حوزوی رو به افزایش بوده است و در صورت استفاده صحیح از این ظرفیت، یک نقطه قوت برای جمهوری اسلامی خواهد بود. ضمن اینکه ایران برای بسیاری مسلمانان دارالاسلام و برای بسیاری افراد مبارز و آزادی‌خواه مأمّن امنیت است. لذا کشور ایران به عنوان یک کشور اسلامی باید سازوکارهای قانونی و روانی جامعه را برای پذیرش و میزبانی اتباع خارجی فراهم کند. طبیعتاً حل مشکلات اولیه این جماعت قابل انتساب به موضوع «حقوق بشر» است و با یک رویکرد دینی برادران مسلمان فارغ از رنگ و زبان و نژاد و محل ولادت برابر هستند.

- تربیت نیروی حقوق بشری و مدیریت فضاهای دانشگاهی مرتبط: مطالعات حقوق بشر به عنوان یک گرایش میان‌رشته‌ای دانشگاهی به خودی خود حتی با سیلابس‌های درسی موجود در دانشگاه‌های جمهوری اسلامی، منطبق بر مبانی اسلامی نیست و عموماً دانش‌آموختگان این گرایش در دانشگاه‌ها که بعداً متخصص حقوق بشر خواهند شد، محصول رویکردهای غربی به حقوق بشر هستند. ستاد حقوق بشر به عنوان یک نهاد کلان‌نگر در حوزه حقوق بشر نمی‌تواند نقش دانشگاه‌ها و حوزه را منکر شود و یا حتی خود را صرفاً سؤال‌کننده برخی مسائل اجرایی بداند که دانشگاه آن را حل کند؛ بلکه باید نسبت به فضای موجود در دانشگاه‌ها و جریانات فکری موجود و حتی ساختارها و محتوای گرایش‌های دانشگاهی و حوزوی را جهت‌دهی کند. از همین طریق است که می‌توان نیروهای متعهد

و متخصص حقوق بشری و هم‌نوا و هم‌گام با انقلاب اسلامی و متأثر از اندیشه‌های اسلامی را تربیت کند که حقیقتاً فقر چنین متخصصان متعهدی در کشور قابل مشاهده است.

- **تبیین نظری حقوق بشر اسلامی:** اولاً یکی از تکالیفی که رهبر معظم انقلاب خطاب به قوه قضائیه در سال ۱۳۹۵ مطرح کردند، تبیین نظریه حقوق بشر اسلامی است. ایشان فرمودند: «حقوق بشر اسلامی را تبیین کنید. ... حقوق بشری که غرب می‌گوید، بر مبنای غلطی تنظیم شده و لازم است حقوق بشر اسلامی با پایه‌های متقن و عقلانی در افکار عمومی جهان و مجامع حقوقی پیگیری شود.» ثانیاً یکی از مشکلات عملی جمهوری اسلامی در پاسخگویی به موارد نقض حقوق بشر که از منظر نظری با حقوق بشر معاصر اختلاف داریم، نحوه پاسخگویی ما است که بدون شک به مبانی دینی ما مرتبط می‌شود. فرض بفرمایید که در دنیا عرف شده است که نمی‌توان مانع آزادی همجنسگرایی شد. در این‌گونه موارد نوع پاسخگویی بسیار مهم است و نمی‌توان به صرف ارجاع به مبانی نامشخص فقهی به راحتی از زیر بار پاسخگویی فرار کرد. بلکه باید مبنای نظری آن در دنیا بیان شود. ضمن اینکه با یک اقدام فعالانه‌تر می‌توان حقوق بشر اسلامی را در دنیا به عنوان یک آلترناتیو برای حقوق بشر غیرعملی و مغایر سعادت انسان در دنیا مطرح کرد.

طبیعی است که این نیاز باید از سوی حاکمیت به حوزه و دانشگاه منتقل شود و شکی نیست که این کار، یک اقدام بلندمدت است و بدون یک نظریه‌پردازی و حرکت جمعی شکل نمی‌گیرد و مهمتر آنکه باید میان حاکمیت، حوزه و دانشگاه یک رابطه سه‌سویه شکل بگیرد تا به هدف مقصود و مورد نظر رهبری دست یابد. لذا نقش ستاد حقوق بشر در این امر حیاتی است و هر چه نگاه به آن، عمیق‌تر و غیرعجولانه‌تر باشد، رسیدن به دستاوردهای آن از یک امر آرمانی و ناشدنی به یک امر واقعی تبدیل می‌شود.

۲- استفاده از تمام ظرفیت‌های مردمی برای احیای حقوق عامه که می‌تواند نقطه وصل مردم و فعالان

مدنی با حاکمیت باشد.

بسیاری مسائل داخلی کشور مثل آسیب‌های اجتماعی متولی خاصی در کشور ندارد و برخی فعالیت‌های جزیره‌ای و مسئله‌محور شکل گرفته است. بدون شک این اقدامات پراکنده نیاز به یک مدیریت و انسجام و هماهنگی دارد. موضوعاتی مانند حوزه زنان، خانواده، عدالت و مانند آن با رویکرد مطالبه‌حق مرتبط با ستاد حقوق بشر است. به عنوان مثال در حوزه زنان و خانواده، فعالیت‌های متعددی از سوی مراکز علمی یا رسانه‌ای مثل تلویزیون‌های اینترنتی، مستندسازی و شبکه‌های فضای مجازی وجود دارد. اما هیچ نهاد مسئولی در حاکمیت، متولی حمایت از

آنان نیست. ستاد حقوق بشر می‌تواند به عنوان یک نهاد حاکمیتی و با رویکرد مطالبه حق، این دسته فعالان و کنشگران کف جامعه را شناسایی و حمایت کند.

ظرفیت‌های مردمی در کشور که دلسوزانه و با دغدغه و با هزینه‌های شخصی دست به اصلاح جامعه و احقاق حقوق مردم می‌پردازند، کم نیستند. عموم ارتباط آنها با حاکمیت هم از نوع دادن مجوز، مراقبت‌های امنیتی و حمایت‌های مالی معنوی موردی و جزیره‌ای است. ستاد حقوق بشر می‌تواند خلأها را شناسایی کند، به فعالیت‌های موجود شتاب دهد و دست به حمایت در زمینه‌هایی بزند که نهادی عهده‌دار آن نیست.

جمع‌بندی:

- یکی از تحولاتی که در دوره حدید معاونت و دبیری دکتر باقری قابل انتظار است، ورود به عرصه‌های داخلی و تحول در زمینه مطالبه‌گری حقوق و آزادی‌های مشروع و واقعی مردم است. هم به عنوان ستاد می‌تواند این صحنه را هدایت کند و هم به طور صفی در داخل قوه قضائیه و دستگاه‌های اجرایی، مانع نقض بسیاری حقوقی که با یک اراده سیاسی ساده قابل حل است، بشود.

- به نظر می‌رسد ستاد حقوق بشر باید مأموریت‌ها و صلاحیت‌های او را به وسعت مفهوم «حقوق بشر» موسع تفسیر کند و نگران هم‌پوشانی صلاحیت‌های خود با نهادهای دیگر نباشد و برای احقاق حقوق مردم در زمینه‌های مختلف ورود کند. چرا که اولاً انتظار و صبر برای انجام برخی امور توسط نهاد دولتی دیگر که تا به حال مأمور انجام آن بوده، روا نیست و ستاد می‌تواند در این برهه حساس جمهوری اسلامی که تهدیدات بیرونی و مشکلات داخلی افزایش یافته است، خلأهای عملکرد ضعیف نهادی دیگر حاکمیتی را که به وظایف خود صحیح نمی‌پردازند، پر کند. ثانیاً اینکه بسیاری موضوعات مبتلابه کشور را که جنبه عمومی و ملی پیدا می‌کند، عموماً نهادهای نظامی یا امنیتی ورود می‌کنند و به دلیل ماهیت و ذات آن نهادها عموماً چه بسا اقدام فرهنگی و اجتماعی مناسبی صورت نمی‌گیرد. اما ستاد حقوق بشر که ذات و ماهیتی مردمی‌تر دارد و از زاویه نگاه مطالبه حقوق ملت به سراغ مشکلات این‌چنینی می‌رود، عموماً می‌تواند دستاورد بهتری را برای حاکمیت خلق کند.

صرفاً به عنوان یک مثال می‌توان به تفاوت مدیریت حاکمیت در موضوعات مربوط به دیپلماسی عمومی مثلاً در نحوه تعامل با سمن‌ها یا چهره‌های سرشناس هنری (سلبریتی‌ها) از سوی یک نهاد امنیتی یا نهاد حقوق بشری مثل ستاد حقوق بشر اشاره کرد که نوع ورود هر نهاد می‌تواند نتایج متفاوتی داشته باشد.

- جایگاه ستاد حقوق بشر در مجموعه قوانین و مقررات مشخص نیست. هر چند اعتبار مصوبه شورای عالی امنیت ملی را دارد، اما صراحت اصل (۱۷۶) قانون اساسی بیان می‌دارد که حدود وظایف شورای فرعی را قانون باید تصویب کند. ورود جایگاه ستاد و تعیین صلاحیت‌های او در قانون مصوب مجلس می‌تواند ابزارهای بسیاری را خصوصاً در عرصه داخلی و مطالبه حقوق ملت در اختیار او قرار دهد. تنها جایی که نام ستاد در مجموعه قوانین آمده است، تبصره (۱) ماده (۵) قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه است که وزارت خارجه را مکلف می‌کند با همکاری وزارت اطلاعات و ستاد حقوق بشر - که اشتباهاً در آن قانون هم ستاد حقوق بشر قوه قضائیه آمده است - اشخاص آمریکایی ناقض حقوق بشر در برخی موضوعات را که در ماده (۵) شرح داده است، در فهرست تحریم قرار دهد.

- بازتعریف ساختار معاونت و ستاد با مأموریت‌های مذکور بسیار ضروری است و علی‌باقری می‌تواند با آزاد کردن ظرفیت‌های مخفی موجود در عنوان ستاد حقوق بشر و همچنین خلق کارکرد مؤثر و فعال در معاونت بین‌الملل و حقوق بشر قوه قضائیه با هوشمندی خاصی که از ایشان سراغ داریم، در مدیریت حقوق بشر جمهوری اسلامی و نقش آفرینی مطالبات حقوقی در عرصه بین‌الملل همگام با گام دوم انقلاب اسلامی تحول ایجاد کند.